

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۴

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

۱

عبادت:

ایاک نعبد و ایاک نستعین

پروردگارا درگفتن: «ایاک نعبد» خاص تورا عبادت می کنم، صادق.

پروردگارا در گفتن: «ایاک نستعین» خاص از تو استعانت و مساعدت می جویم، کاذب نیست.

کلمه عبادت در قرآن کریم در (۲۷۵) بار ذکر گردیده است.

عبادت از ریشه «عَبَدَ» و به معنای پرستش و اطاعت خاشعانه و نهایت خضوع است. از ریشه عبد دو مصدر عبودیت و عبادت مشتق شده است.

این دو اصطلاح در عبری و عربی کاربرد داشته و معنی همسان دارد.

عبادت و پرستش در سه دین ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) به عنوان یک اصل جدائی ناپذیر شمرده می شود که در هر سه دین به عنوان یکی از اولویت ها بر آن تأکید شده است.

عبادت را علماء به حیل متین محکم و مستحکمی در حیات فردی و اجتماعی و حتی سیاسی انسان معرفی داشته است. انسان از طریق عبادت با پروردگار خویش مرتبط می شود.

انسان با عبادت صادقانه در رحمت پروردگار قرار می گیرد به عزت کامل می رسد و جان و روحش را در معرض رحمت پروردگار قرار می دهد.

«وما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (الذاریات : ۵۶) جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که مرا پرستش کنند» یعنی هدف از خلقت که رسیدن انسان به کمال مطلق باشد، تنها از راه عبادت میسر می گردد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «این دین محکم و متین است. پس با ملایمت در آن درآئید و عبادت خدا را بر بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید که در این صورت مانند سوار در مانده ای هستید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است».

افراط و زیاده روی در عبادت موجب خستگی روح و بی رغبتی نسبت به عبادت و گریز از آن می شود.

عبادت:

عبادت اسم جامعی است که تمام آنچه را که پروردگار با عظمت ما دوست می دارد و به آن خوشنود می گردد، در بر می گیرد اعم از عقاید و اعمال قلوب و اعمال جوارح و همه اعمالی که بنده را به الله نزدیک میسازد.

بنابر این همه آنچه که خداوند در کتابش و سنت رسولش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم مشروع قرار داده در تعریف عبادت داخل است.

عبادت انواع مختلفی دارد، بعضی عبادات قلبی اند، مانند ارکان ششگانه ایمان، ترس، رجاء، توکل، رغبت، رهبت و غیره و بعضی عبادات ظاهری است، مانند: نماز و زکات، روزه، حج.

عبادت صحیح نمی شود مگر این که بر دو اصل مبتنی باشد:

اول:

این که عبادت خالص برای الله تعالی انجام گیرد و به او شریک آورده نشود. این معنای گواهی دادن لا اله الا الله است. چنان که الله تعالی می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ، أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ. 2-3 سُوْرَةُ الزُّمَرِ»

(ما این کتاب را که در بر گیرنده حق و حقیقت است، بر تو فرو فرستادیم. خدا را پرستش کن و پرستش خود را خاص برای او گردان. هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای الله است و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را بر می گیرند، گویند ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند، بی گمان خداوند بین آنان در (بارۀ) آنچه که در آن اختلاف می ورزند داوری می کند، خداوند کسی را که دروغگوی ناسپاس است هدایت نمی کند.)

و می فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ. آیه ۵ سُوْرَةُ الْبَيِّنَةِ».

(درحالی که به ایشان دستور داده نشده بود مگر این که مخلصانه و حقگرایانه خدا را پرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آئین راستین).

دوم:

پیروی از رسول الله محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم به این شکل که بنده مثل پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم عمل کند بدون این که چیزی از آن کم کند یا به آن بیفزاید، و این به اساس و معنای گواهی محمد رسول الله است. لذا می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ آیه ۳۱ سوره - سُوْرَةُ آلِ عِمْرَانَ» (بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان بیامرزد). و می فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا آیه ۷ سوره سُوْرَةُ الْحَشْرِ»

(وآنچه رسول (خدا) به شما بدهد، آن را بگیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد اجتناب کنید). و می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يَحْكُمُوكَ فِيمَا سَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيماً آیه ۶۵ سوره سُوْرَةُ النَّسَاءِ» (سوگند به پروردگارت، (در حقیقت) ایمان نیاورند، مگر آن که در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. آنگاه از آنچه حکم کردی، در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن نهند).

عبودیت کامل متحقق نمی شود مگر به دو چیز:

اول:

کمال محبت الله، به طوری که بنده محبت خدا و محبت آنچه که در نزد خدا محبوب است را بر محبت هر چیز دیگری مقدم بدارد.

دوم:

کمال عاجزی و کرنش برای الله به طوری که بنده در تنفیذ اوامر و اجتناب از نواهی همواره در برابر او خاضع و فرمانبردار باشد.

پس عبودیت آن است که کمال محبت و کمال خضوع و تذلّل و خوف و رجاء در آن جمع باشد، و بنده زمانی به محبت و خوشنودی الله می رسد که عبودیت را به شکل کامل آن انجام دهد.

پس الله دوست دارد که بنده اش با انجام فرایضی که او را بدانها مکلف کرده خود را به او نزدیک کند و هر چه بنده، عبادت مستحب بیشتر انجام دهد به خدا نزدیکتر می شود و منزلت او در نزد الله عزوجل بالاتر می رود، و به فضل و رحمت او تعالی این تقرب از اسباب رسیدنش به جنت خواهد گردید.

خداوند متعال می فرماید: « ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ » (آیه ۵۵ سورة سُورَةُ الْأَعْرَافِ) (پروردگارتان را با تضرع و پنهانی (به نیایش) بخوانید، بی گمان او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد) .

فطری بودن عبادت:

مفسران و علماء در تحقیقات خویش می گویند که عبادت، نوعی رابطه است که بین انسان و معبود او تحقق پیدا می کند.

یکی از اصیل ترین تجلیات روح و مهم ترین ابعاد وجود انسان، حسن پرستش و نیاز به عبادت است. پرستش و عبادت، در وجود انسان ریشه عمیقی دارد و همه پیامبران در رسالت خویش به انسان تعلیم می دهد که باید عبادت الله را بکنند. بدین اساس عبادت به مفهوم و طریق واقعی کلمه آمده است و قرآن عظیم الشان با صراحت تام می فرماید: «ای انسان، ربّ خود و پروردگارت را بپرست که او تو و جهانیان را آفریده است و زمام امورشان را به دست دارد.».

عبادت راز آفرینش است:

در قرآن عظیم الشان، در آیات متعددی در مورد هدف خلقت انسان یاد شده است. از جمله در آیتی می خوانیم که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «من جنّ و انس را نیافریدم، مگر برای پرستش و بندگی».

تشویق به عبادت:

سراسر آیات قرآنی، تشویق و ترغیب به عبادت است و گاه در ضمن این کار، به حکمتی از حکمت های عبادت هم اشاره می شود. به طور مثال، در آیتی می خوانیم: «ای مردم، پروردگارتان را که شما و مردمان پیش از شما را آفریده است، عبادت کنید.»

اثرات عبادت و بندگی الله (ج)

برای پی بردن به تأثیر عبادت و نیایش در تهذیب نفس و پرورش فضایل اخلاقی، قبل از هر چیز باید با مفهوم و حقیقت عبادت آشنا شد.

گرچه بحث درباره حقیقت عبادت گسترده است و علمای جلیل القدر در تفسیر، احادیث، اخلاق و فقه مباحث متعددی علمی، انجام داده اند، اما در يك اشاره کوتاه چنین می‌توان گفت: برای یافتن حقیقت عبادت باید به کلمه «عبد» و مفهوم آن که ریشه اصلی عبادت است، توجه نمود.

«عبد» از نظر لغت به انسانی گفته می‌شود که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده‌اش تابع اراده او، و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند و در اطاعت او سستی به خود راه نمی‌دهد. بنابراین، عبودیت اظهار آخرین درجه خضوع در برابر کسی است که همه چیز از ناحیه اوست و به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که تنها کسی می‌تواند «معبود» باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز الله (ج) نیست! به عبارت دیگر، و از بُعد دیگر «عبودیت» نهایت اوج تکامل روح يك انسان و قُرب او به الله تعالی است، و عبودیت تسلیم مطلق در برابر ذات پاک اوست؛ عبادت تنها رکوع و سجود و قیام و قعود نیست، بلکه روح عبادت تسلیم بی‌قید و شرط در برابر کمال مطلق و ذات بی‌مثالی است که از هر عیب و نقص میراست.

بدیهی است چنین عملی بهترین انگیزه توجه به کمال مطلق و پرهیز از هرگونه آلودگی و ناپاکی است؛ چرا که انسان سعی می‌کند خود را به معبود خویش نزدیک و نزدیکتر سازد تا پرتوی از جلال و جمال او در وجودش ظاهر شود که گاه از آن تعبیر به «مظهر صفات خدا شدن» می‌کنند.

عبودیت گوهری است که ربوبیت در درون آن نهفته است. اشاره به این است که عبد تلاش و کوشش می‌کند تا خود را در صفات شبیه معبود سازد و پرتوی از صفات جلال و جمال او را در خود منعکس کند.

حکمت و هدف عبادت، به خصوص نماز در اسلام

گفتیم هدف از عبادت، رشد و تکامل انسان است، زیرا الله کمال مطلق است و انسان برای رسیدن به کمال باید خود را به او نزدیک کند و راه تقرب انسان به خدای متعال، عبودیت و بندگی است.

اثر بندگی رفع تاریکی های درونی از صفحه دل و نورانی شدن آن به انوار ملکوت و آمادگی جان انسان برای پذیرش تجلیات حق و تابش نور عشق الهی است.

بسیاری از نماز خوانان، نماز می‌خوانند، ولی نمی‌دانند، برای چه نماز می‌گذارند و در نتیجه از هدف اصلی آن غافلند. بدین اساس از نماز خویش سود و فایده ای لازم نمی‌برند و این عبادت در روح آنان اثری نگذاشته و یا اثری نامحسوس و غیر قابل توجه گذاشته است. حالت ایشان به زاغی که صرف نول به زمین می‌زنند، مشابه بوده، که به این ترتیب به عبادت و نماز پرداختن نتیجه با غفلت به پایان می‌رسانند.

به یاد باید داشته باشیم که چنین نمازی باز دارنده از گناهان نیست. با آن که قرآن عظیم الشان نماز را بازدارنده از فحشاء و منکر شمرده است معلوم می‌شود نمازش در حقیقت نماز نبوده، بلکه صورتی از نماز بوده است.

نقش عبادات در تزکیه اخلاق:

در نظام اخلاقی اسلام، هدف از عبادت، ارتباط دیم با مدیر کارگاه هستی است و این ارتباط باید به نحوی برقرار شود که در طول حیات بشر پایدار بماند.

تکامل اخلاقی انسان ها نیاز شدید به چنین پیوندی دارد. هر لحظه که ارتباط سست و یا قطع شود، سیر نزولی شروع می‌گردد. احکام عملی و عبادات در شرعیت اسلام به منزله پایگاه های تقویتی هستند که ارتباط را محکم تر می‌گردانند تا سیر کمالی بشر، بدون ترس و اضطراب به کمال مطلوب برسد.

هنگامی که پیوند حقیقی بین پروردگار و یا به عبارت دیگر پیوند حقیقی و واقعی بین خالق و مخلوق برقرار شد، هر لحظه ای که از حیات انسان بگذرد، عبادت محسوب می شود؛ خواه در آن لحظه، کار فزینی انجام داده، یا به تفکر پرداخته باشد.

عبادات و احکام، برنامه دقیق زندگی اند که در سایه آن ارتباط با خالق، تقویت و تثبیت می شود؛ اما نکته مهم، هدف از برقراری ارتباط با الله است. هدف، این است که تمام افعال انسان، تحت نظام در آید و جهت مخصوص به خود گیرد تا آن جا که وقتی به امور شخصی زندگی می پردازیم یا موقعی که در آزمایشگاه، سرگرم تحقیق هستیم و یا در مسند قضاوت، حق را از باطل تشخیص می دهیم یا در بازار، در حال خرید و فروشیم، بدون توجه به این که کارمان کوچک است یا بزرگ، خدا را ناظر اعمال خود بدانیم. و در هر جای الله را حاضر و شاهد بدانیم.

عبادات، مانند باغبان دلسوزی، هرگونه علف هرزه را از زمین روان انسان، پاک می کنند. چنین انسانی، در صورت کسب آگاهی، آمادگی هر چه بیشتر برای پرورش صفات حسنه را در خود ایجاد کرده و شایسته است که از چنین موقعیتی حداکثر بهره برداری را بنماید؛ چرا که بسیار مردمی که زحمات فراوان در راه عبادات ضروری و غیر ضروری متحمل می شوند، لیکن عبادتشان چون از روی آگاهی انجام نمی گیرد، اثری در پرورش صفات نیک ندارد. این طبقه، با آن که مضر به حال اجتماع نیستند، مفید هم نمی توانند باشند؛ زیرا لازمه مفید بودن، تخلق به اخلاق خداوند و عملی کردن ارزش های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی است و این ارزش ها نیز تنها در فضای آگاهی و انتخاب آگاهانه به ثمر می نشینند و نتیجه می دهند و بس!

قرآن عظیم الشان در موارد متعددی بعد از آن که مسلمانان را به اجرای مراسم عبادی دعوت می کند، بلافاصله از آن برای عبادت کننده توصیه می کند که به کارهای نیکو و پسندیده مبادرت ورزد. به طور مثال پروردگار ما در سوره جمعه در خاتمه آداب نماز جمعه می فرماید: « اکنون در روی زمین برای کسب فضیلت، متفرق شوید». در حقیقت، ثمره عبادات، ظهور اخلاق و افعال پسندیده در فرد و جامعه است و شرط ثمربخشی اعمال و اخلاق پسندیده در ساخت جامعه خدایند و آرمانی اسلام نیز، نیت صالح و پذیرش و انتخاب آگاهانه و آزادانه آن اعمال و صفات است.

ادامه دارد